

The Impact of Almsgiving on the Facilitation of Worldly Life: A Study Based on the Verses of Sūrat al-Layl

(Received: 2024-11-02 Acceptance: 2025-02-22)

Mostafa Rostami ¹, Elham Saddate Hejazy ², Fateme Samvat ³

Abstract

Almsgiving (infāq), as one of the Qur’anic themes, is discussed in various verses, and attention to its multiple dimensions remains an important area of scholarly research. In verse 7 of Sūrat al-Layl, the consequence of this act is addressed, where those who give in charity are promised: “We will surely ease his way to ease” (فَسَيُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى). Some interpretations understand al-yusrā in an eschatological sense—namely, referring to Paradise. However, the question arises whether a social and worldly interpretation can also be derived from it.

This study seeks to answer this question through a comparative analysis of various Qur’anic commentaries. Several interpretations, particularly those employing ijtihādī and socially-oriented approaches, were selected. The findings indicate that social interpretations emphasize the role of almsgiving in facilitating worldly life and do not confine its effects solely to the hereafter. This perspective has influenced some Qur’anic translations, where translators—considering the worldly effects of charity—have rendered the verse with terms such as “ease” or “comfort,” reflecting the tangible impact of almsgiving. The study concludes that differing exegetical tendencies and methodological approaches have significantly influenced the interpretation of this verse, especially in terms of deriving social implications from its message.

Keywords: Almsgiving, Sūrat al-Layl, Worldly life, Social commentaries, Effects of charity

مطالعات اجتماعی
و تمدنی

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

1. Assistant Professor, Department of Islamic Teaching, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. rostami@basu.ac.ir

2. Ph.D. Student in Allameh Askari Islamic Studies Center, Tehran, Iran.
hejazisadat1402@gmail.com

3. M.A. Student of Quranic Sciences in Imam Komini Institute, Qom, Iran.
fat.samavat@gmail.com



تأثیر انفاق در سهولت زندگی دنیوی با استفاده از آیات سوره لیل

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴)

مصطفی رستمی^۱، الهام سادات حجازی^۲، فاطمه سموات^۳

چکیده

انفاق به عنوان یکی از مباحث قرآنی در آیات مختلف مورد بحث واقع شده و توجه به ابعاد مختلف آن از موضوعات درخور توجه برای پژوهش است. در آیه ۷ سوره لیل به پیامده این عمل توجه شده و هر کس که انفاق کند را با عبارت «سَيُسِّرُ لِّلْیُسْرِی» وعده می‌دهد. برخی از تفاسیر عبارت «یسری» را به معنی اخروی آن یعنی «بهشت» تفسیر نموده‌اند؛ اما سؤال این است که آیا می‌توان رویکرد اجتماعی و دنیوی نیز از آن استنباط نمود. پژوهش حاضر در تلاش است تا از رهگذر مطالعه تطبیقی میان تفاسیر مختلف به سؤال مورد بحث پاسخ دهد. به همین منظور چند تفسیر با روش‌های مختلف تفسیری برای این امر انتخاب شده که عمده آن‌ها مجموعه‌ای از تفاسیر اجتهادی با رویکرد اجتماعی است و از آن‌ها این نتیجه حاصل شد که تفاسیر اجتماعی به تأثیر انفاق در سهولت زندگی دنیوی اشاره کرده‌اند و انفاق کردن را منحصر به جنبه‌ی اخروی ندانسته‌اند. این موضوع حتی در ترجمه‌های قرآن نیز نفوذ یافته است و برخی مترجمان با در نظر داشتن تأثیر دنیوی انفاق آیه را برگردان کرده‌اند و معادل آسایش را برای آیه ۷ سوره لیل برگزیده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد تفاوت در رویکرد و گرایش تفسیری در این دو برداشت مختلف از آیه مذکور تأثیر گذار بوده و گرایش به استنباط مباحث اجتماعی از آیه در این برداشت از آیه اثر گذار بوده است. **واژه‌های کلیدی:** انفاق، سوره لیل، زندگی دنیوی، تفاسیر اجتماعی، آثار انفاق

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

rostami@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه عسکری، تهران، ایران.

hejazi1399130197@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

fat.samavat@gmail.com





۱- طرح مسأله

رابطه میان رفتاری که قرآن برای انسان تجویز می نماید و تأثیر آن بر کیفیت معیشت دنیا یکی از موضوعات مورد بحث و درخور توجه برای پژوهش است. برخی از دیدگاه ها تأثیر اعمال و رفتار انسان که از سوی شریعت تجویز می شود را در زندگی اخروی انسان مؤثر می دانند و این در حالی است که تأثیر اعمال و رفتار انسان در زندگی دنیوی نیز مورد بحث واقع شده است به گونه ای که این موضوع را می توان از روایات نیز برداشت نمود.

یکی از موضوعات درخور توجه برای پژوهش در این زمینه اثرات انفاق به عنوان یکی از تجویزهای قرآنی بر حیات اخروی و دنیوی انسان است. یکی از سوره هایی که به موضوع انفاق و اثرات آن پرداخته سوره ی لیل است. آیات ۵ الی ۱۱ از این سوره به اثر انفاق کردن و انفاق نکردن اشاره دارد. مقاله ی حاضر در نظر دارد با بررسی ترجمه های مختلف مترجمان و نیز با بررسی تفاسیر به دنبال تبیین مفهوم یسر در آیه ی ۷ این سوره فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى است و اینکه آیا می توان از بررسی تفاسیر به تأثیر انفاق به سهولت زندگی دنیوی رسید و یا اینکه صرفاً برداشت اخروی از این آیه در تفاسیر آمده است. سؤال این است که چه تفاسیری با چه گرایش تفسیری ای برای یسر در این آیه، سهولت زندگی دنیوی قائل شده اند. تا کنون پژوهش های متعددی به انفاق و آثار آن پرداخته اند اما پژوهشی که تأثیر انفاق را در سهولت زندگی دنیوی بر اساس آیات سوره لیل پرداخته باشد صورت نگرفته است.

به نظر می رسد رویکرد های تفسیر اجتماعی بیشتر به این موضوع پرداخته اند و تفسیر اجتماعی، گرایشی در تفسیر است که بیشترین تلاش مفسر متخصص در علوم اجتماعی با اهتمام به حل مشکلات اجتماعی به تفسیر آیات می پردازد. در این گرایش از منظر پدیده ها و حوادث اجتماعی به آیات نگریسته می شود و آیاتی که به مسائل اجتماعی پرداخته اند، تحلیل می شوند. (مؤدب، ۳۲۳)

۲- آیات سوره لیل در خصوص انفاق و فضای کلی این سوره

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى (۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى (۶) فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۷) وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى (۸) وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى (۹) فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (۱۰)﴾

مرحوم علامه طباطبای در توضیح سوره اعی معتقدند در این سوره اهتمام و عنایت خاصی به مساله انفاق مالی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۰: ۳۰۳). در آیات سوره ی لیل به تقابل دو گروه از مردم می پردازد. دسته ای که به اعطا و انفاق می پردازند و گروهی که از این انفاق اجتناب می ورزند و عاقبت این دو گروه

را بیان کرده است. این سوره بر دو حقیقت تأکید می‌کند: حقیقتی که باید در عالم عمل محقق شود و آن اتفاق است: اعطی و اتقی. و حقیقتی که باید در عالم اعتقاد تحقق یابد و آن، تصدیق روز رستاخیز است: و صدق بالحسنى (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۹۷). بر اساس این آیات اعطاء، تقوا و صدق بالحسنى، سه امر رفتاری، قلبی و عقلی است و این سه مقدمه‌ای هستند برای (فَسَيُسِّرُكَ لِلْيُسْرَى) آسانی. مرحله‌ی آخر که فَسَيُسِّرُكَ لِلْيُسْرَى است از جانب خداوند محقق می‌شود. در سوره‌ی اعلی نیز این تعبیر به کار رفته است: ﴿وَنُيِّسِرُكَ لِلْيُسْرَى﴾ (اعلی/۸). در ادامه آیات ۸ الی ۱۱ گروه دوم را معرفی می‌نماید. یعنی کسانی که بخل بورزند و اتفاق نکنند و خود را از اتفاق کردن بی‌نیاز بدانند فَسَيُسِّرُكَ لِلْعُسْرَى. در این چند فراز نیز یک مرحله مربوط به رفتار است یعنی اتفاق نکردن و مرحله‌ی بعد مربوط به امر قلبی و عقلی-اعتقادی یعنی استغنا و اعتقاد نداشتن و کذب دانستن روز رستاخیز است و در مرحله‌ی آخر فَسَيُسِّرُكَ لِلْعُسْرَى از جانب خداوند محقق می‌شود. (کاظمی، ۱۳۹۶: ۱۹۶-۱۹۷) عده‌ی کثیری از مفسران به دلیل تقابل این دو گروه، فرجام آن‌ها را نیز در تقابل هم پنداشته‌اند یعنی دو عبارت فَسَيُسِّرُكَ لِلْيُسْرَى و فَسَيُسِّرُكَ لِلْعُسْرَى و چون «عسر» را به جهنم و دشواری امور اخروی تفسیر کرده‌اند، «یسر» را نیز مربوط به بهشت و امور اخروی تلقی کرده‌اند. از طرفی یسری مؤنث ایسر است و موصوف آن نیز باید مؤنث باشد اما موصوف در آیه ذکر نشده است و به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی است که موجب تفاوت دیدگاه در بین تفاسیر شده است که برخی آن را فقط به آسانی و توفیق در امور اخروی دانسته‌اند و برخی آن را به توسعه‌ی زندگی دنیوی نیز ارتباط داده‌اند که در ادامه این مقاله بدان پرداخته است.

۳- مفهوم‌شناسی «یسر» و «عسر»

در کتب لغت یسر و عسر را ضد هم دانسته‌اند. «یسر» به معنای آسانی است و به هر کار سهل و آسان اطلاق می‌شود (راغب، ۵۰۲ق، ۸۹۱). عسر در معنای تنگدستی و فقر مالی است یعنی کسی که از توانایی مالی کمی برخوردار باشد. در زبان عربی «رجل عسر» استعمال نمی‌شود معمولاً از کلماتی مثل «فقیر» یا «محتاج» برای توصیف فرد تنگدست استفاده می‌شود. این امر بر اهمیت معنای اصلی کلمه «عسر» یعنی قلت ذات الید (نداری) تأکید می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۲۶). همچنین عسر می‌تواند به معنای پیچیدگی و دشواری یعنی عدم سهولت در انجام کاری باشد. بنابراین یسر و عسر در تضاد هم هستند. با توجه به معنای قلت ذات الید بودن عسر و اینکه با یسر در ضد هم هستند می‌توان نتیجه گرفت یسر به معنای رفاه و آسایش مالی هم معنا بدهد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱: ۳۲۶)



۴- ترجمه‌ها ذیل آیات سوره لیل

یکی از علومی که مترجم در ترجمه قرآن بدان نیاز دارد علم تفسیر است و تفاوت در ترجمه‌ها به بینش مترجم به نوع تفسیر مورد قبول وی است. اگر در تفسیر آیه‌ی ۷ سوره‌ی لیل مفسر فقط قائل به آسانی در امور آخرت و بهشت باشد مترجم نیز در ترجمه همین معنا را منتقل می‌سازد و اما اگر مفسر یسر را به آسانی و آسایش و سهولت زندگی دنیوی نیز مرتبط بداند - که منافاتی هم با آسانی در آخرت ندارد - مترجم نیز در ترجمه یسر را به آسایش یعنی آسانی در زندگی دنیوی معنا می‌کند. در آیه‌ی مورد نظر یسر و عسر و تأثیر آن در امور دنیوی و اخروی در ترجمه‌های قرآن کریم نیز تأثیر داشته است. در برخی از ترجمه‌ها تأثیر انفاق در سهولت زندگی دنیوی منعکس شده است اما برخی از ترجمه‌ها آن را فقط متعلق به امور اخروی و یا توفیق دستیابی به امور اخروی دانسته و بر اساس آن معنا کرده‌اند. در ادامه برخی از ترجمه‌های قرآن در ذیل آیه‌ی ۷ سوره لیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۴-۱- ترجمه انصاری:

پس اما کسی که بخشید و پرهیزگاری کرد (۵) و [آیین] نیک را تصدیق کرد (۶) [راه رسیدن] به آسایش را برایش آسان می‌گردانیم (۷) و اما هر کس که بخل ورزید و [خود را] بی نیاز شمرد (۸) و [آیین] نیک را دروغ انگاشت (۹) به او [برای گرفتار آمدن به] دشواری زمینه می‌دهیم (۱۰)

۴-۲- ترجمه فیض الاسلام:

پس (از آن گوناگون بودن اعمال را بیان کرده میفرماید:) هر که حقوق خدای تعالی را عطاء کرده و بخشید (از امر و فرمانهای او پیروی کرد) و (از معصیت و نافرمانی) پرهیز نمود و نیکی (توحید و یگانه دانستن خدای تعالی و نبوت و پیغمبری پیغمبر اکرم و معاد و روز بازگشت) را تصدیق کرده و باور داشت. پس خیر و نیکی (بدست آوردن سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت) را بزودی برای او آسان گردانیم و کسی که در اداء حقوق خدای عز و جل بخل ورزید و زفتی نمود و خود را بنیاز دانست و نیکی (توحید و نبوت و معاد) را تکذیب کرد و دروغ دانست. پس شر و بدی را بزودی برایش آسان نمائیم (فیض الاسلام، ۱۳۷۹ ش، ذیل آیه)

۴-۳- ترجمه دهلوی:

و اما هر که عطا کرد و پرهیزگاری نمود و باور داشت ملت نیک را پس توفیق دهیم او را برای رسیدن برای آسایش و اما هر که بخل کرد و خود را بنیاز شمر و بدروغ

نسبت کرد ملت نیک را پس توفیق دهیم او را برای رسیدن برای دشواری و هیچ دفع نکند از وی مال او وقتی که نگوسار افتد (دهلوی، ۱۳۷۲ ش، ذیل آیه)

۴-۴- ترجمه صفارزاده:

اما هر کس در راه خدا اتفاق کند و پرهیزکاری پیشه سازد. و تصدیقکننده‌ی حقانیت آن فوق خوب باشد، ما او را در امورش با آسانی و آسایش روبرو مفرمائیم. و آنکس که بخل ورزد و بخواهد از این طریق بی‌نیاز و ثروتمند شود. و نیز حقانیت آن نعمت فوق خوب را تکذیب کند. ما بزودی مسیر او را به سوی مشکلات و دشواری‌ها سوق می‌دهیم. (صفارزاده، ۱۳۸۰ ش، ذیل آیه)

۴-۵- ترجمه پاینده:

اما آنکه [حق خدا را] داده و پرهیزگار بوده و [کلمه] نکو را تصدیق کرده پس، برای آسودگی [بهشت] آماده‌اش خواهیم کرد و اما آنکه بخل ورزیده و بی‌نیازی جسته و [کلمه] نکو را تکذیب کرده برای سختی [جهنم] آماده‌اش خواهیم کرد و چون واژگون شود، مالش برایش کاری نسازد. (پاینده، بی‌تا، ذیل آیه)

۴-۶- ترجمه خواجوی:

اما هر کس که [حق الهی را] داد و تقوا پیشه کرد (۵) ... و بهشت را تصدیق داشت (۶) ... پس بزودی آسانترین [دخول بهشت] را برایش آسان گردانیم (۷) و اما آنکس که بخل ورزیده و بنیازی [از بهشت] نمود (۸) ... و بهشت را دروغ شمرد (۹) ... پس بزودی دشوارترین [دخول جهنم] را برایش آسان گردانیم (۱۰) ... و چون هلاک شود، مالش [عذاب را] از او دفع نکند (۱۱) (خواجوی، ۱۴۱۰ ق، ذیل آیه)

در ارزیابی ترجمه‌های که از آیه ۷ و آیات بعدی سوره بیل نیز برداشت می‌شود، عبارت *فَسَيُسِّرُهُ لِيُيسِّرَ* متفاوت ترجمه شده است. این تفاوت معنادار به درک مترجم و نوع برداشت او از مفهوم «یسر» در آیه بازمی‌گردد. ترجمه صفارزاده با آوردن واژه‌ی «آسایش» یسر را به سهولت در امور دنیوی ارتباط داده است. در ترجمه دهلوی نیز عبارت آسایش را معادل یسر قرار داده است. در ترجمه انصاری نیز یسر را مربوط به امور دنیوی دانسته است و برای آن واژه‌ی آسایش به کار برده است. آسایش واژه‌ای است که در امور دنیوی به کار می‌رود اما در دیگر ترجمه‌ها این معادل یابی مشاهده نمی‌شود چرا که مترجم یسر در این آیه را مربوط به امور اخروی و یا بهشت دانسته است برای مثال در ترجمه خواجوی ذیل آیه ۷ سوره بیل چنین آمده است: «پس بزودی آسانترین [دخول بهشت] را برایش آسان گردانیم» و منظور



از آسانی را ورود به بهشت معنا کرده است و به امور دنیوی ارتباط نداده است. و یا در ترجمه پاینده نیز آسانی را مربوط به آخرت و بهشت تلقی کرده و بر اساس چنین برداشتی در ترجمه نیز یسر را فقط به آسانی در بهشت برگردان کرده است. در ترجمه‌ی فیض الاسلام هر دو امور دنیوی و اخروی لحاظ شده است. ظاهراً این مترجم منافاتی بین سهولت اخروی و دنیوی قائل نشده است. پس از بررسی ترجمه‌های مربوط به آیات مورد بحث در ادامه به منظور دیدگاه‌های مفسران به نظرات ایشان ذیل آیه ۷ سوره لیل پرداخته می‌شود و به بررسی نوع برداشت در معنای یسر در این آیه می‌پردازیم.

۵- تفاسیر با رویکرد ارتباط با دنیا از آیه ۷ سوره لیل

برخی از تفاسیر که عمدتاً رویکرد اجتماعی دارند به ارتباط میان آیه ۷ سوره لیل و سهولت زندگی دنیوی و معاش انسان‌ها اشاره نموده و علاوه بر تأثرات اتفاق بر عقوبت اخروی به موضوع تأثیر آن بر سهولت معاش دنیوی انسان نیز اشاره نموده‌اند. به منظور بررسی بیشتر به بررسی این تفاسیر می‌پردازیم

۵-۱- فی ظلال القرآن

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن در تفسیر «یسر» ذیل آیه‌ی ۷ سوره‌ی لیل از آن در مفهوم زندگی دنیوی نیز استفاده می‌نماید. سید قطب در توضیح آیه آورده است «والذي يعطي ويتقي و يصدق بالحسنى يكون قد بذل أقصى ما في وسعه ليزكي نفسه و يهديها. عندئذ يستحق عون الله و توفيقه الذي أوجبه - سبحانه - على نفسه بإرادته و مشيئته. والذي بدونه لا يكون شيء، و لا يقدر الإنسان على شيء و من يسره الله لليسر فقد وصل في يسر و في رفق و في هودة و عاش في يسر. وصل و هو بعد في هذه الأرض يفيض اليسر من نفسه على كل ما حوله و على كل من حوله. اليسر في خطوه. و اليسر في طريقه. و اليسر في تناوله للأمور كلها. و التوفيق الهادي المطمئن في كلياتها و جزئياتها. و هي درجة تتضمن كل شيء في طياتها. حيث تسلك صاحبها مع رسول الله - صلى الله عليه و سلم - في وعد ربه له: «وَنُيْسِرُكَ لِلْيُسْرَى». در این توضیح سید قطب یسر را در سهولت معیشت و زندگی دنیوی به کار برده و به صراحت تعبیر «و عاش في يسر» را به کار می‌برد. (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ۳۹۲۲:۶)

۵-۲- تفسیر هدایت

محمد تقی مدرسی صاحب تفسیر هدایت که رویکرد اجتماعی در تفسیر دارد ذیل آیه ۷ سوره لیل نوشته است: «فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى - او را موفق می‌داریم به طاعت‌ها و هر

چه سبب آسانی است.» و در ادامه بیان داشته است: «یعنی زندگی مرفه و آسان، و عاقبت نیکو». این تفسیر به عنوان یک تفسیر اجتماعی در تفسیر یسری به صراحت به زندگی مرفه و آسان دنیا اشاره کرده و در کنار آن عاقبت نیکو را برای زندگی اخروی بیان داشته است. به عبارت دیگر به هر دو جنبه‌ی دنیوی و اخروی انفاق کنندگان پرداخته است. (مدرسی، ج ۱۸ ص ۱۴۴ مترجمان، ۱۳۷۷ ش، ۱۴۴: ۱۸)

۵-۳- تفسیر نمونه

آیت الله مکارم در تفسیر نمونه که گرایش اجتماعی نیز دارد علاوه بر توفیقات انفاق کنندگان و آسانی انفاق بر آنان که در سایر تفاسیر نیز بدان پرداخته شده، به رهایی از مشکلات در زندگی نیز اشاره شده است (نمونه، ۱۳۷۴ ش، ۲۷: ۷۴) و به گونه‌ای رهایی از مشکلات را می‌توان به سهولت زندگی دنیوی تعبیر کرد که آسودگی در زندگی مادی نیز به عنوان نتیجه‌ی طبیعی انفاق خواهد بود و در پی آن است. این تفسیر، مفهوم «یسر» را فراتر از تسهیل در امور عبادی و معنوی می‌بیند و آن را به سهولت زندگی دنیوی نیز مرتبط می‌سازد. این جنبه از تفسیر، به جذابیت و انگیزه‌بخش بودن انفاق می‌افزاید و آن را فراتر از یک عمل عبادی صرف می‌داند. با این تفسیر از آیه به جنبه‌های اجتماعی انفاق و تأثیرات آن در زندگی دنیوی نیز توجه شده است

۵-۴- الوسیط زحیلی

زحیلی در معنای یسری می‌گوید: «الحال الحسنة المرضیة فی الدنيا و الآخرة». یعنی حال خوب راضی‌کننده در دنیا و آخرت (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ۳: ۲۸۸۷). بنابراین تفسیر الوسیط به عنوان یکی از تفاسیر با رویکرد اجتماعی، «یسری» را علاوه بر آخرت به زندگی دنیوی نیز ارتباط داده است.

۵-۵- پرتوی از قرآن

مرحوم آیت الله طالقانی ذیل آیه‌ی ۷ سوره بیل چنین آورده است: این آیات و آیات بعد تفصیل و ترتیب دو طریق و خط متمایز و از هم جدایی است که کوشش انسانی در مسیر هر يك از آنها پیش می‌رود، و آثار و سرانجامی دارد. دیگر راهها و کوشش‌های پراکنده و نامشخص، در بین این دو خط متمایز و محدود واقع میشود، یا در نهایت به یکی از این دو خط متمایز می‌رسد، یا چون راه و سرانجام مشخصی ندارد متوقف میگردد. (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ۴: ۱۲۶)

از اینکه هیچ يك از دو مفعول فعل اعطی، و مفعول فعل اتقی ذکر نشده، معلوم می‌شود که خود اعطاء و اتقاء مورد نظر است. و همچنین است ذکر نشدن



موصوف الحسنی و الیسری. با این نظر، مفعول‌ها و موصوف‌هایی که در تفاسیر برای این افعال و اوصاف ذکر شده، جز بیان نمونه و مصداق نباید باشد. و بعضی از موصوفات مذکور در تفاسیر، با صفت مؤنث الحسنی و الیسری تطبیق ندارد. و اگر این صفات، مؤنث تفضیلی باشد، موصوف‌های آن‌ها نامعین و نسبی است و با سیاق این آیات که کوشش‌های پراکنده را شرح می‌دهد، مناسب‌تر می‌باشد، زیرا معنای سعی متضمن حرکت مستمر است، و فعل مضارع «فَسَنُیَسِّرُهُ» نیز اشعار به حدوث و دوام دارد. از این جهت موصوف‌های این صفات نیز پیوسته تغییر می‌نماید و کاملتر می‌شود. چنان که در بعضی از آیاتی که این گونه صفات: حسنی، تقوا، ایمان، کفر، عصیان، آمده، صریحاً یا ضمناً افزایش آن‌ها ذکر شده: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ» از آیه ۱۰/۲۶. «وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ» از آیه ۳۵/۳۱. «وَإِنْ تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا» از آیه ۴/۴۰. «وَمَنْ يَفْقَرَفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا» از آیه ۴۲/۲۳. «ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمِنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسِنُوا» از آیه ۵/۹۳.

تصدیق، حکم ذهن، بعد از استدلال، بر موضوعات تصویری است، و حسنی صفت مروضه مورد تصدیق می‌باشد. و چون موضوع تصدیق و موصوف به حسنی «وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ» هم مدرکات نظری و عقلی برتر، و هم موضوعات عملی مانند عدل و احسان و گفتار و کردار نیک‌تر است، اینگونه تصدیق منشأ تحرك و پیشرفت به سوی معارف و کمال علمی و عملی می‌گردد، آن چنان که شخص مصدق به حسنی، هر موضوع جمیل و نیک را درمی‌یابد، موضوع جمیلتر و نیکتر برایش رخ می‌نماید، تا در پرتو جمال و کمال و خیر مطلق درمی‌آید.

به قرینه ترتیب افعال در این آیه: فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ اعطاء و اتقاء مقدمه چنین گرایش و حرکت عقلی می‌باشد. اعطاء مطلق و بدون ذکر مفعول، صرف هر گونه سرمایه و امور مورد علاقه در راه خیر دیگران است. به این طریق، شخصیت انسان - از خودبینی و پیچیدگی به خود برمی‌گردد و استعدادها و دیدش باز میشود و به حرکت درمی‌آید.

اتقاء (اخذوقایه) قوای متحرك نفس را منظم و هماهنگ می‌گرداند، و از مصرف بیهوده سرمایه‌ها و انحراف در مسیر هواها و شهوات باز می‌دارد. همین که انسان در شعاع اعطاء، و قدرت تقوا، پیش رفت و دیدش وسعت یافت، و استعدادهای نفسانیش به ثمر رسید، قدرت عقلیش باز و شکفته و روشن می‌شود: «وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ».

و در این طریق فکری و عقلی هر چه پیشتر رود بیش تر مشمول جاذبه و عنایات پروردگار می‌گردد و خداوند مشکلات و موانع را برایش آسان مگرداند: «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ».

سین سنيسره، دلالت بر آینده نزدیک و عنايت خاص دارد، و ضمير مفعول آن، راجع به من «مَنْ أَعْطَى» می باشد. چنان که در تفسیر آیه «وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى - سوره اعلی» گفته شده این تعبیر خاص، «فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» دلالت بر این واقعیت دارد که همه مشکلات و موانع و سختی ها، از خود انسان و در وجود او می باشد، و همین که وجودش به حرکت درآمد، و دیدش باز شد، خود او آسان می شود و هر چه مشکل می نمود نیز آسان می گردد. (طالقانی، ۱۳۶۲ ش، ۴: ۱۲۶-۱۲۷)

۵-۶- مخزن العرفان

امین نصرت بیگم نویسنده تفسیر مخزن العرفان فی التفسیر القرآن که با رویکرد تربیتی به رشته تحریر درآمده برای آیه ی «فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» می نویسد: چنین کسی را که دارای چنین صفاتی باشد تمکن دهیم تا خود را به مقام عالی برساند و بیان می دارد شاید مقصود از (یسری) در آیه اشاره به هر عملی باشد که در پی انجام آنست که در اثر طینت و سجه خوب وی در هر عمل و کاری که وارد می شود خواه راجع به امور معاش وی باشد یا معاد هر چه باشد آسان می گردانیم. (امین، ۱۳۶۱ ش، ۱۵: ۱۶۲) لذا بانو امین صاحب مخزن العرفان تا حدودی اشاره به آسانی در امور دنیوی نیز داشته است.

۵-۷- من وحی القرآن

صاحب این تفسیر ذیل آیه ی ۷ سوره لیل آورده است: مسیر حرکت آسان و سهل را به سوی آنچه که رضای خدا در آن است، و توفیق رسیدن به نتایج خوب در دنیا و آخرت که سختی ای در آن نیست در همه سطوح فراهم می کند. (فضل الله، ۱۴۱۹ ق، ۲۴: ۲۹۶)

نتایج خوب در دنیا و اینکه سختی در آن نیست از جمله اشارات دنیوی در این تفسیر است و تا حدودی می توانیم آن را اشاره به سهولت در زندگی دنیا بدانیم.

۵-۸- من هدی القرآن

صاحب تفسیر من هدی القرآن ذیل آیه ی «فَسَيُسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» می نویسد: «أي الحياة اليسرى، والعاقبة الحسنی» (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۱۸: ۱۵) یعنی زندگی راحت و عاقبت نیکو که اشاره به سهولت زندگی دنیوی دارد و تعبیر «العاقبة الحسنی» می تواند اشاره به زندگی اخروی باشد. بنابراین تفسیر من هدی القرآن به عنوان یک تفسیر اجتماعی ذیل آیه ی ۷ سوره لیل به سهولت زندگی دنیوی نیز توجه داشته است و آن را به دنیا نیز ارتباط داده است.



۵-۹- الکاشف

این تفسیر، «لیسری» را به معنای عنایت و توفیق الهی در امور زندگی تفسیر می‌کند. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۵۷۴:۷) به عبارت دیگر، خداوند کسانی که تقوا پیشه می‌کنند، به خیر و صلاح دنیوی و اخروی خود می‌رساند و راه‌های آسان را برای آن‌ها فراهم می‌کند. این تفسیر بر جنبه‌ی عملکردی و عملی تأکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه عمل صالح و تقوا، زمینه‌ساز دریافت توفیق و عنایت الهی می‌شود. یعنی یُسری در اینجا نه تنها بهشت نیست، و نه فقط کارهای نیک، بلکه تسهیل و آسان شدن امور زندگی به واسطه‌ی لطف و عنایت الهی است. می‌توان گفت این مفسر به گونه‌ای غیر مستقیم به سهولت در زندگی دنیوی اشاره کرده است.

۵-۱۰- المحرر الوجیز

ابن عطیة عبدالحق بن غالب در تفسیر المحرر الوجیز تفسیر اثری است اینگونه بیان می‌کند که «تسهیل» به تدریج در اعمال نیکو ظاهر می‌شود و در نهایت به حالتی از آسودگی و خوشبختی در دنیا و آخرت می‌انجامد. یُسری در اینجا به معنای وضعیت مطلوب و پسندیده در دنیا و آخرت است و در مقابل آن، عُسری به معنای وضعیت نامطلوب و بد در دنیا و آخرت است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق، ۴۹۳:۵) این تفسیر به هر دو جنبه‌ی دنیوی و اخروی اشاره داشته است و سهولت در زندگی دنیوی که مواردی از قبیل آسودگی و خوشبختی و وضعیت مطلوب و پسندیده را که در این تفسیر بدان اشاره شده در بر دارد.

۵-۱۱- التفسیر المنیر

مفسر، «أعطی» را به بذل مال در راه خیر، «اتقی» را به پرهیز از محارم الهی، و «صدق بالحسنی» را به ایمان به وعده‌های الهی و عمل به آن تفسیر می‌کند. به بیان دیگر، این گروه افرادی هستند که در راه خدا اتفاق می‌کنند، از گناه پرهیز می‌کنند، و به وعده‌های الهی در مورد پاداش عمل صالح ایمان دارند. مفسر نتیجه این اعمال را «تسهیل یسری» می‌داند؛ یعنی خداوند برای این افراد، مسیر آسان و هموار را در زندگی فراهم می‌کند، کارهای نیک را برایشان آسان می‌کند و به آنها توفیق می‌دهد که در راه خدا عمل کنند. (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ۲۷۱:۳۰) این تفسیر بر این نکته تأکید دارد که اعمال انسان، تعیین‌کننده سرنوشت او در دنیا و آخرت است. خداوند برای افراد پرهیزگار و انفاق‌کننده، مسیر آسان را هموار می‌کند، در حالی که برای افراد بخیل و بی‌ایمان، مسیر دشوار و پر از سختی را فراهم می‌سازد.

۶- رویکرد صرفا اخروی در تفسیر آیه ۷ سوره لیل .

برخی دیگر از تفاسیر، ارتباطی میان انفاق و سهولت معیشت دنیوی انسان در آیه ۷ سوره لیل برقرار ننموده و صرفا مفهوم آخرتی آن را در نظر گرفته اند که در این قسمت به بررسی این تفاسیر می‌پردازیم.

۶-۱- المیزان فی التفسیر القرآن

مرحوم علامه طباطبایی در این آیه برای تیسیر معنای «تهیه کردن» و «آماده نمودن» را لحاظ کرده و یسری را خصلتی می‌داند که در آن آسانی باشد و هیچ دشواری نداشته باشد و برای توصیف تهیه کردن به آسانی، قائل به مجازگویی است. علامه برای این معنا دو منظور را بیان کرده و خود وجه دوم را مورد قبول می‌داند. منظور اول آن که توفیق اعمال صالحه را به او بدهد، و انجام اینگونه اعمال را برایش آسان سازد، به طوری که هیچ گونه دشواری در آن نباشد و منظور دوم این است که او را آماده حیاتی سعید کند، حیاتی نزد پروردگارش، حیاتی بهشتی، و به این نحو آمادهاش کند که توفیق اعمال صالحی را به او بدهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۵۱۰:۲۰)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه ی «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» منظور از یسر را محدود به حیات بهشتی می‌داند و در واقع آثار اخروی برای آن قائل است. و تنها آثار دنیوی انفاق را توفیق اعمال صالح قرار دادن می‌داند که آن هم مربوط به آخرت است و به تأثیر انفاق در سهولت داشتن زندگی دنیوی اشاره نکرده است. برخلاف برخی تفاسیر که «یسر» را به سهولت در زندگی دنیوی نیز تعبیر می‌کنند، المیزان «یسر» را عمدتاً به سهولت در زندگی اخروی و بهشت ربط می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۵۱۰:۲۰)

۶-۲- مجمع البیان

طبرسی منظور از «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» را آسان کردن طاعت برای فرد برشمرده است و ارتباطی به دنیا نداده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ۷۶۰:۱۰)

۶-۳- جامع البیان طبری

این تفسیر بیان می‌کند «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» به معنای این است که خداوند فرد را برای انجام کارهایی که مورد رضایت اوست، آماده می‌کند. این کارها در دنیا به او کمک می‌کند تا در آخرت به بهشت دست یابد. (طبری، ۱۴۱۲ ق، ۱۴۲:۳۰) واقع نگاه مفسر در این تفسیر به امور اخروی بوده است و به نتایج عمل انفاق در دنیا اشاره‌ای نداشته است.



۶-۳- روح المعانی

آلوسی مولف روح المعانی اصل واژه «تیسیر» به معنای سهولت است، اما در اینجا به معنای آماده‌سازی و تهیه کردن است، چه برای راحتی و چه برای سختی. وی دو دیدگاه در مورد حرف «س» مطرح می‌کند: دیدگاه اول: «س» برای تأکید است. دیدگاه دوم: «س» نشان دهنده این است که بخش عمده پاداش یا مجازات در آخرت رخ می‌دهد، که امری منتظر و در آینده است. آلوسی، «تیسیر» را در آیه اول به معنای «لطف» و «توفیق» الهی تفسیر می‌کند، که به فرد کمک می‌کند تا اطاعت برایش آسان شود. در آیه دوم، «تیسیر» را به معنای «خذلان» و محروم کردن فرد از لطف الهی تعبیر می‌کند، که سبب می‌شود اطاعت برایش دشوار گردد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵: ۳۶۷-۳۶۸)

مفسر «یسری» و «عسری» را به «طاعت» و «معصیت» تفسیر می‌کند، چرا که اطاعت برای متقی آسان و برای غیر متقی دشوار است. - «یسری» را همچنین به «طریق بهشت» و «عسری» را به «طریق دوزخ» تعبیر می‌کند و «تیسیر» را در هر دو حالت به «هدایت» نسبت می‌دهد. این هدایت در آخرت به صورت وعده و وعید تجلی می‌یابد. - همچنین مفسر «تیسیر» را به معنی تهیئه و آماده‌سازی و «یسری» و «عسری» را به اطاعت و معصیت و مقدمات آنها از صفات پسندیده و نکوهیده تفسیر می‌کند در نهایت، مفسر تأکید می‌کند که در این تفسیر، تأکید اصلی بر «تیسیر» است نه بر خود «طاعت» به عنوان موصوف، و «تیسیر» در مورد «عسری» صرفاً از باب مشکلات است. در پایان، مفسر به این نکته اشاره می‌کند که «تیسیر» می‌تواند هم به معنای هدایت و هم به معنای تهیئه و آماده‌سازی باشد و در هر دو حالت، «یسری» و «عسری» می‌توانند هم به طاعت و معصیت و هم به بهشت و دوزخ دلالت کنند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۵: ۳۶۷-۳۶۸)

مطالعات قرآنی
و ترجمه‌های
پایه و پژوهشی

۵-۱۷- التحریر و التنویر

در این تفسیر ابن عاشور با استفاده از تحلیل‌های زبانی و بلاغی، معنای آیه را ارائه دهد و ابعاد مختلف تیسیر و ارتباط آن با مفاهیم «الیسری» و «العسری» را بررسی می‌کند. «تیسیر» به معنای آسان کردن چیزی است که به طور طبیعی سخت است. مفعول فعل «تیسیر» چیزی است که آسان می‌شود، و مفعول مجرور به «لام» چیزی است که به خاطر آن، امر سخت آسان می‌شود. «یسری» به معنای حالتی است که در آن مشقتی وجود ندارد، و می‌تواند به حالت نعیم در آخرت یا بهشت تعبیر شود. «عسری» به معنای حالتی است که در آن سختی و مشقت وجود دارد، و می‌تواند به حالت عذاب یا جهنم تعبیر شود. (ابن عاشور، بی تا: ۳۰: ۳۳۸)

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

در این تفسیر دو روش برای تفسیر ساختار آیه ۷ ارائه می‌شود: روش اول: استفاده از قلب در ساختار جمله، به طوری که «نيسره لليسر» به معنای «نيسره له اليسر» باشد. روش دوم: استفاده از مجاز مرسل در «تيسير» به معنای آماده‌سازی و تهيه کردن، و «لام» به معنای تعلیل. این تفسیر بیان می‌کند که «تيسير» به معنای آماده‌سازی برای ورود به بهشت یا جهنم است، و این آماده‌سازی به معنای تسريع در ورود به این حالات است. همچنین این تفسیر بر اساس استعاره تهكميه و مشاکله بنا شده است، که در آن «تيسير» به معنای تسهيل و سرعت در ورود به حالات نهایی (بهشت یا جهنم) است. (ابن عاشور، بی‌تا، ۳۰: ۳۴۰) بنابراین در این تفسیر به سهولت در زندگی دنیوی اشاره نشده است و یسر را به آخرت ارتباط داده است.

نتیجه‌گیری

از بررسی تفاسیر مختلف از آیه ۷ سوره لیل و مفهوم یسر دو برداشت می‌توان ارائه نمود. برداشت اول بدین صورت است که انفاق مسیر هدایت انسان به بهشت را فراهم می‌نماید و برداشت دوم که البته منافاتی با برداشت اول ندارد این است که انفاق موجبات سهولت معیشت زندگی دنیوی را هم فراهم می‌نماید. به تعبیر دیگر انفاق در آیات سوره لیل نه تنها در زندگی اخروی و سوق دادن انسان به بهشت اثر گذار است، بلکه به تأثیرات مثبت آن در زندگی دنیوی نیز اشاره دارد و سهولت در معیشت دنیوی انسان را نیز فراهم می‌آورد. و این برداشت از آیه مورد بحث که در برخی تفاسیر به آن اشاره شده می‌تواند جنبه‌های تشویقی و انگیزشی در افراد ایجاد کند تا به انجام این سنت و فریضه‌ی الهی بیشتر توجه کنند.

در بررسی این تفاوت دیدگاه‌ها در تفاسیر می‌توان به این نکته اشاره نمود که برداشت‌های مربوط به تأثیر انفاق در زندگی دنیوی عمدتاً در تفاسیری ارائه شده که با سبقه‌گرایی اجتماعی به برداشت از آیه پرداخته‌اند. لذا به نظر می‌رسد تفاوت در رویکرد و گرایش تفسیری در این دو برداشت مختلف از آیه مذکور تأثیر گذار بوده و گرایش به استنباط مباحث اجتماعی از آیه در این برداشت از آیه اثر گذار بوده است.



- قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی
۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا): «التحریر و التنبیر»، بی نا.
 ۲. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
 ۳. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱ش)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن تهران: نهضت زنان مسلمان.
 ۴. انصاری، مسعود (۱۳۷۷ش)، ترجمه قرآن، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.
 ۵. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
 ۶. پاینده، ابوالقاسم (بی تا)، ترجمه قرآن، بی نا.
 ۷. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق)، تفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل الجدید، چاپ دهم.
 ۸. خواجوی، محمد (۱۴۱۰ق)، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات مولی، چاپ اول.
 ۹. دهلوی، شاه ولی الله (۱۴۱۷ق)، ترجمه قرآن، مدینه: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشریف، تحقیق: عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی، چاپ اول.
 ۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۵۰۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالعلم.
 ۱۱. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۲۲ق)، الوسیط، دمشق: دارالفکر. نوبت اول.
 ۱۲. زحیلی، وهبه بن مصطفى (۱۴۱۸ق)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، بیروت و دمشق: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم.
 ۱۳. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت-قاهره: دارالشروق. چاپ هفدهم.
 ۱۴. صفارزاده، طاهره (۱۳۸۰ش)، ترجمه قرآن، تهران: موسسه فرهنگی جهان رایانه کوثر، چاپ دوم.
 ۱۵. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، نوبت چاپ: چهارم.
 ۱۶. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ش): «ترجمه المیزان»، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
 ۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷): «المیزان فی تفسیر القرآن»، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
 ۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
 ۱۹. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
 ۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، العین، قم: انتشارات هجرت.
 ۲۱. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دارالماک للطباعة و النشر. نوبت چاپ: دوم.
 ۲۲. فیض الاسلام، سید علی نقی (۱۳۷۸ش)، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، تهران: انتشارات فقیه، چاپ اول.
 ۲۳. کاظمی، حبیب (۱۳۹۶)، تفسیر سراج منیر، قم: نور معارف، چاپ اول.
 ۲۴. مترجمان (۱۳۷۷ش)، تفسیر هدایت، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. نوبت چاپ اول.
 ۲۵. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین. نوبت چاپ اول.
 ۲۶. معزی، محمد کاظم (۱۳۷۲ش)، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، چاپ اول.
 ۲۷. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق): «الکاشف»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
 ۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه. نوبت چاپ اول.
 ۲۹. مؤدب، سید رضا، (۱۳۹۰): «روش‌های تفسیر قرآن»، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.

References:

1. The Holy Quran, translated by Makarem Shirazi.
2. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir (n.d.): "Al-Tahrir wa al-Tanwir," Publisher not mentioned.
3. Ibn Atiyyah al-Andalusi, Abd al-Haqq ibn Ghalib (1422 AH), "Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz," edited by Abd al-Salam Abd al-Shafi Muhammad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, First Edition.
4. Amin, Sayyida Nurat (1361 AH/1982 CE), "Makhzan al-Irfan fi Tafsir al-Quran," Tehran: Nahzat Zanan Musulman (Women's Muslim Movement).
5. Ansari, Masoud (1377 AH/1998 CE), "Translation of the Quran," Tehran: Nashr va Pazhuhesh Farzan Rooz, First Edition.
6. Alusi, Sayyid Mahmud (1415 AH), "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim," Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya, First Edition.
7. Payandeh, Abu al-Qasim (n.d.), "Translation of the Quran," Publisher not mentioned.
8. Hijazi, Muhammad Mahmud (1413 AH), "Tafsir al-Wadih," Beirut: Dar al-Jil al-Jadid, Tenth Edition.
9. Khajavi, Muhammad (1410 AH), "Translation of the Quran," Tehran: Intisharat Mowla, First Edition.
10. Dehlavi, Shah Waliullah (1417 AH), "Translation of the Quran," Medina: Majma' Malik Fahd li-Tiba'at al-Mushaf al-Sharif, edited by Abd al-Ghafur Abd al-Haq Baloch and Sheikh Muhammad Ali, First Edition.
11. Raghib al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad (502 AH), "Mufradat Alfaz al-Quran," Damascus: Dar al-Qalam.
12. Zuhaili, Wahba bin Mustafa (1422 AH), "Al-Wasit," Damascus: Dar al-Fikr, First Edition.
13. Zuhaili, Wahba bin Mustafa (1418 AH), "Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqidah wa al-Shariah wa al-Manhaj," Beirut & Damascus: Dar al-Fikr al-Mu'asir, Second Edition.
14. Sayyid Qutb ibn Ibrahim Shadhili (1412 AH), "Fi Zilal al-Quran," Beirut-Cairo: Dar al-Shuruq, Seventeenth Edition.
15. Saffarzadeh, Tahereh (1380 AH/2001 CE), "Translation of the Quran," Tehran: Mu'asseseh Farhangi Jahan Rayaneh Kowsar, Second Edition.
16. Taleghani, Sayyid Mahmoud (1362 AH/1983 CE), "Partovi az Quran (A Reflection on the Quran)," Tehran: Sherkat Sahami Enteshar, Fourth Edition.
17. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1374 AH/1995 CE), "Translation of Al-Mizan," translated by Sayyid Muhammad Baqir Mousavi Hamadani, Qom: Intisharat Islami Jami'ah-yi Modarresin Howzeh Ilmiyeh Qom, Fifth Edition.
18. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein (1417 AH), "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran," Daftar Intisharat Islami Jami'ah-yi Modarresin Howzeh Ilmiyeh Qom, Fifth Edition.
19. Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1372 AH/1993 CE), "Majma'-al-Bayan fi Tafsir al-Quran," Tehran: Intisharat Nasser Khosrow, Third Edition.
20. Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir (1412 AH), "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran," Beirut: Dar al-Ma'rifah, First Edition.
21. Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1410 AH), "Al-Ain," Qom: Intisharat Hijrat.
22. Fadlallah, Sayyid Muhammad Hussein (1419 AH), "Tafsir Min Wahi al-Quran," Beirut: Dar al-Malak lil-Tiba'a wa al-Nashr, Second Edition.
23. Feyz-ol-Islam, Sayyid Ali Naqi (1378 AH/1999 CE), "Translation and Interpretation of the Great Quran," Tehran: Intisharat Faqih, First Edition.



24. Kazemi, Habib (1396 AH/2017 CE), "Tafsir Siraj Munir," Qom: Noor-e Ma'aref, First Edition.
25. Translators (1377 AH/1998 CE), "Tafsir Hidayat," Mashhad: Bonyad-e Pazhoohesh-haye Eslami-ye Astan-e Quds Razavi, First Edition.
26. Modarresi, Sayyid Muhammad Taqi (1419 AH), "Min Huda al-Quran," Tehran: Dar Muhibbi al-Hussein, First Edition.
27. Mo'ezzi, Muhammad Kazem (1372 AH/1993 CE), "Translation of the Quran," Qom: Intisharat Osveh, First Edition.
28. Mughniyeh, Muhammad Jawad (1424 AH), "Al-Kashef," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, First Edition.
29. Makarem Shirazi, Naser (1374 AH/1995 CE), "Tafsir-e Nemuneh," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, First Edition.
30. Moaddab, Sayyid Reza (1390 AH/2011 CE), "Ravesh haye Tafsir Quran (Methods of Quranic Interpretation)," Qom: Intisharat Daneshgah Qom, First Edition.



دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳